



نقش نظام آموزشی بر توسعه ایران معاصر

دکتر مهدی نصیری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۵

نصیری، مهدی، ۱۳۴۹.
نقش نظام آموزشی بر توسعه ایران معاصر / مهدی نصیری. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
۲۴۹ص: مصور، جدول. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۳۸۵: علوم اجتماعی؛ ۳۳)
ISBN: 978-600-298-151-6
بها: ۱۲۳۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۲۳] - ۲۲۹: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. آموزش و پرورش — ایران — تاریخ. ۲. Education - Iran - History. ۳. جامعه‌شناسی تربیتی. ۴. Educational sociology.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
LA ۱۳۵۱/ت ۶ن ۱۳۹۵ ۳۷۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی ۴۶۴۶۱۲۲



نقش نظام آموزشی بر توسعه ایران معاصر

مؤلف: دکتر مهدی نصیری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش و صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۲۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع کمک آموزشی برای دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی توسعه و تعلیم و تربیت در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر مهدی نصیری سپاسگزاری کند.

فهرست

مقدمه.....	۱
------------	---

فصل اول: کلیات

مقدمه.....	۳
۱. بیان مسئله.....	۳
سؤال اصلی.....	۵
۸-۲. سؤالات فرعی.....	۶
۲. اهمیت و ضرورت موضوع.....	۶
تحدید موضوع.....	۹
اهداف.....	۱۰
پیشینه مطالعات.....	۱۱

فصل دوم: چارچوب و الگوی نظری پیشینه نظری

مقدمه.....	۱۳
۱. مفاهیم و اصطلاحات.....	۱۳
۱-۱. توسعه.....	۱۴
۱-۲. تغییر اجتماعی.....	۱۴
۱-۳. نوسازی.....	۱۵
۱-۴. توسعه اقتصادی.....	۱۶
۱-۵. توسعه اجتماعی.....	۱۷
۲. نظریات توسعه یافتگی.....	۱۸
۲-۱. دورکیم.....	۱۹
۲-۲. پارسونز.....	۲۱
۲-۳. ماکس وبر.....	۲۶
۲-۴. دانیل لرنر.....	۲۸
۲-۵. اینکلس و اسمیت.....	۲۹
۲-۶. مارکس.....	۳۱

۳۵	 بسترهای توسعه
۳۶	 رویکردهای نظری در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش
۳۶	 ۱-۴ کارکردگرایی
۳۸	 ۱-۱-۴ دورکیم
۴۲	 ۲-۱-۴ تالکوت پارسونز
۵۰	 ۳-۱-۴ مرتن
۵۳	 ۲-۴ نظریه سرمایه انسانی
۵۴	 ۳-۴ نظریه‌های تضاد
۵۸	 ۵. مدل سیستمی
۶۰	 ۶. چارچوب نظری
۶۲	 ۷. مدل تحلیل

فصل سوم: تعریف مفاهیم

۶۵	 تعریف متغیرها (نظری و عملیاتی)
۶۵	 مقدمه
۶۶	 ۱. توسعه
۶۶	 ۱-۱ تعریف مفهومی
۶۶	 ۲-۱ تعریف عملیاتی
۶۷	 ۲. نظام نوین آموزش و پرورش
۶۷	 ۱-۲ تعریف مفهومی
۶۸	 ۲-۲ تعریف عملیاتی
۶۹	 ۳. آموزش و پرورش
۶۹	 ۱-۳ تعریف مفهومی
۷۰	 ۲-۳ تعریف عملیاتی
۷۰	 ۴. مشارکت سیاسی
۷۰	 ۱-۴ تعریف مفهومی
۷۱	 ۲-۴ تعریف عملیاتی
۷۱	 ۵. شهرنشینی
۷۱	 ۱-۵ تعریف مفهومی
۷۲	 ۲-۵ تعریف عملیاتی
۷۲	 ۶. تغییرات جمعیتی
۷۲	 ۱-۶ تعریف مفهومی
۷۳	 ۲-۶ تعریف عملیاتی
۷۳	 ۷. وسایل ارتباط جمعی
۷۳	 ۱-۷ تعریف مفهومی

۷۴	 ۲-۷. تعریف عملیاتی
۷۴	 ۸. صنعت
۷۴	 ۱-۸. تعریف مفهومی
۷۵	 ۲-۸. تعریف عملیاتی
۷۵	 ۹. اشتغال یا کار
۷۵	 ۱-۹. تعریف مفهومی
۷۶	 ۲-۹. تعریف عملیاتی
۷۶	 ۱۰. مشارکت زنان در عرصه اجتماعی
۷۶	 ۱-۱۰. تعریف مفهومی
۷۶	 ۲-۱۰. تعریف عملیاتی
۷۷	 ۱۱. رفاه اجتماعی
۷۷	 ۱-۱۱. تعریف مفهومی
۷۷	 ۲-۱۱. تعریف عملیاتی
۷۸	 ۱۲. بهداشت عمومی
۷۸	 ۱-۱۲. تعریف مفهومی
۷۸	 ۲-۱۲. تعریف عملیاتی
۷۹	 ۱۳. نوآوری و پیشرفت علمی
۷۹	 ۱-۱۳. تعریف مفهومی
۷۹	 ۲-۱۳. تعریف عملیاتی

فصل چهارم: ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

۸۱	 مقدمه
۸۲	 ۱. آموزش و پرورش نوین در جهان
۸۲	 ۱-۱. پیشرفت‌های جدید علمی و ادبی در اروپا
۸۳	 ۲-۱. برجسته‌ترین ویژگی‌های آموزش و پرورش در قرن هیجدهم
۸۴	 ۳-۱. دگرگونی‌های آموزش و پرورش در قرن نوزدهم
۸۵	 ۲. انقلاب اجتماعی و فرهنگی در اروپا
۸۵	 ۱-۲. انقلاب صنعتی انگلستان و نتایج آن
۸۶	 ۲-۲. انقلاب در آمریکا
۸۶	 ۳-۲. انقلاب فرانسه
۸۷	 ۴-۲. دستاوردهای علمی و فنی قرن هیجدهم
۸۸	 ۳. اوضاع اجتماعی ایران در دوران قاجار
۹۱	 ۱-۳. آموزش در دوره قاجاریه
۹۱	 ۲-۳. تاریخچه مکتب‌خانه‌ها
۹۲	 ۳-۳. مفهوم مکتب‌خانه

۹۳	 ۴-۳. انواع مکتب‌خانه
۹۳	 ۱-۴-۳. مختلط
۹۳	 ۲-۴-۳. پسرانه
۹۳	 ۳-۴-۳. دخترانه
۹۴	 ۵-۳. مکتب آخوند باجی
۹۴	 ۱-۵-۳. هدف از تعلیم
۹۵	 ۲-۵-۳. شاگردان مکتب‌خانه و شیوه آموزش آنان
۹۶	 ۳-۵-۳. وسایل رفاهی و امکانات آموزشی
۹۶	 ۴-۵-۳. نقدی بر مکتب‌خانه‌های آخوند باجی
۹۷	 ۶-۳. مکتب‌خانه‌های عمومی
۹۸	 ۱-۶-۳. مراحل تحصیل
۹۸	 ۲-۶-۳. امکانات رفاهی و آموزشی مکتب‌خانه‌ها
۹۹	 ۳-۶-۳. بنیان مکتب یا مکتب‌داران
۹۹	 ۴-۶-۳. شایستگی معلمان
۱۰۰	 ۵-۶-۳. وضع زندگی و درآمد معلمان مکتب‌خانه‌ها
۱۰۲	 ۶-۶-۳. دانش آموزان مکتب‌خانه‌های عمومی
۱۰۳	 ۷-۶-۳. اختلافات سنی و اجتماعی دانش آموزان
۱۰۳	 ۸-۶-۳. انگیزه‌های شاگردان
۱۰۴	 ۹-۶-۳. وسایل رفاهی و آموزشی دانش آموزان
۱۰۵	 ۱۰-۶-۳. خلیفه
۱۰۵	 ۱۱-۶-۳. برنامه‌های آموزشی
۱۰۶	 ۱۲-۶-۳. میزان دشواری کتاب‌ها
۱۰۷	 ۱۳-۶-۳. خط
۱۰۸	 ۱۴-۶-۳. آموزش زبان عربی و فارسی
۱۰۸	 ۱۵-۶-۳. آموزش اصول دینی و اخلاقی
۱۰۸	 ۱۶-۶-۳. آموزش سیاق
۱۰۹	 ۱۷-۶-۳. هنر و تفریحات سالم
۱۰۹	 ۱۸-۶-۳. مشاعره
۱۰۹	 ۱۹-۶-۳. زمان تحصیل
۱۱۰	 ۲۰-۶-۳. تعطیلات مکتب‌خانه
۱۱۰	 ۲۱-۶-۳. آموزش خواندن در مکتب‌خانه‌ها
۱۱۲	 ۲۲-۶-۳. نحوه کلاس‌بندی در مکتب‌خانه‌ها
۱۱۳	 ۲۳-۶-۳. شیوه حفظ کردن
۱۱۵	 ۲۴-۶-۳. تنبیه و تشویق
۱۱۵	 ۲۵-۶-۳. انواع تنبیه

۱۱۷	۳-۶-۲۶. برخورد والدین نسبت به تنبیه بدنی
۱۱۸	۳-۶-۲۷. امتحانات شاگردان
۱۱۸	۳-۶-۲۸. آیین ختم قرآن و سوره‌ها
۱۱۹	۳-۷. مکتب‌خانه‌های خصوصی
۱۱۹	۳-۷-۱. شاگردان مکتب‌خانه‌های خصوصی
۱۱۹	۳-۷-۲. آداب ورود به مکتب‌خانه‌های خصوصی
۱۲۰	۳-۷-۳. شرایط سنی و مراتب تحصیل
۱۲۰	۳-۷-۴. برنامه آموزشی
۱۲۰	۳-۷-۵. تنبیه و تشویق
۱۲۱	۳-۸. بررسی نظرات درباره مکتب‌خانه‌ها
۱۲۳	۴. زمینه‌های پیدایش مدارس جدید
۱۲۴	۴-۱. آشنایی با مظاهر تمدن غربی در دوران قاجار
۱۲۷	۴-۲. دانشجویان اعزامی به اروپا در زمان محمدشاه
۱۲۷	۴-۳. اعزام دانشجو به خارج
۱۳۲	۴-۴. دستاوردهای آموزشی دانش‌آموختگان خارج از کشور
۱۳۷	۴-۵. پیدایش مدارس جدید
۱۳۷	۴-۶. تأسیس دارالفنون
۱۳۸	۴-۷. آثار دارالفنون
۱۴۵	۵. وضع مدارس در آغاز جنبش مشروطیت
۱۴۶	۵-۱. انقلاب مشروطیت و مدارس جدید
۱۴۷	۵-۲. مدارس جدید پس از انقلاب مشروطه
۱۵۱	۵-۲-۱. مدارس متوسطه
۱۵۲	۵-۲-۲. مدرسه صنایع مستظرفه
۱۵۲	۵-۲-۳. مدارس دخترانه
۱۵۲	۵-۲-۴. آموزشگاه‌های تربیت معلم
۱۵۴	۶. بررسی متغیرها
۱۵۵	۶-۱. رابطه تغییرات جمعیتی و نظام نوین آموزش و پرورش
۱۵۸	۶-۲. مشارکت سیاسی و نظام نوین آموزش و پرورش
۱۶۳	۶-۳. نوآوری و پیشرفت علمی و نظام نوین آموزش و پرورش
۱۷۰	۶-۴. توسعه وسایل ارتباط جمعی و نظام نوین آموزش و پرورش
۱۷۳	۶-۴-۱. پیدایش روزنامه‌ها پس از قتل ناصرالدین شاه
۱۷۴	۶-۴-۲. روزنامه در ایران پس از انقلاب مشروطیت
۱۷۸	۶-۴-۳. وسایل ارتباط جمعی در دوره پهلوی اول
۱۸۰	۶-۵. مشارکت زنان در عرصه اجتماعی و نظام نوین آموزش و پرورش
۱۸۴	۶-۵-۱. روزنامه و مجلات بانوان

۶-۶.	تعدد فعالیت‌های صنعتی و نظام نوین آموزش و پرورش	۱۸۵
۶-۷.	توسعه سواد و نظام نوین آموزش و پرورش	۱۸۹
۶-۷-۱.	توسعه مدارس بعد از پهلوی اول	۱۸۹
۶-۸.	شهرنشینی و نظام نوین آموزش و پرورش	۱۹۶
۶-۹.	رفاه اجتماعی و نظام نوین آموزش و پرورش	۲۰۱
۶-۱۰.	بهداشت عمومی و نظام نوین آموزش و پرورش	۲۰۴
۶-۱۱.	تخصصی شدن مشاغل و نظام نوین آموزش و پرورش	۲۰۶

فصل پنجم: استنتاج و نتایج تحقیق

۱.	خلاصه و نتیجه‌گیری	۲۰۹
۲.	دستاوردهای مثبت آموزش و پرورش نوین	۲۱۵
۳.	دستاوردهای منفی نظام آموزش و پرورش	۲۱۷
۴.	پیشنهادهای	۲۲۱

فهرست منابع	۲۲۳
کتاب	۲۲۳
مجلات	۲۲۸
ضمائم	۲۳۱

مقدمه

اقتصاددانان و سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان اجتماعی و تربیتی، آموزش و پرورش را به عنوان رمز و کلید توسعه و تغییر اجتماعی پذیرفته و در این زمینه دلایل زیادی را نیز مطرح می‌کنند. از جمله اینکه گفته می‌شود آموزش و پرورش برای کشورهای توسعه‌نیافته عامل نهایی برای نوسازی و صنعتی‌شدن است و با توجه به این مسئله ارائه آموزش و پرورش عمومی برای همه افراد یک جامعه به عنوان هدف عمده برنامه‌ریزان توسعه مطرح می‌شود.

آموزش و پرورش بنیان و پایه اولیه توسعه را تشکیل می‌دهد. امروزه از آموزش و پرورش به عنوان معیاری در جهت ارزیابی و اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه جوامع استفاده می‌شود. جامعه‌ای که از نظر نیروی انسانی متخصص فقیر باشد، سایر امکانات مادی نمی‌تواند کمک زیادی به توسعه جامعه بنماید. نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه یک جامعه دارد. چنین وضعیتی این نکته را روشن می‌کند که آموزش و پرورش، بستری است بسیار گسترده و تأثیرگذار در زمینه‌های توسعه و تغییر و تحول، به گونه‌ای که هر نوع تغییر و توسعه باید از این بستر استفاده بهینه نماید. همچنین ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و صحیح را در امور آموزشی و فرهنگی کشورهای توسعه‌نیافته برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، جهت رسیدن به توسعه را حیاتی می‌سازد. ارتباط متقابل زیادی در کشورهای جهان بین سطح فرهنگ و میزان توسعه وجود دارد. لذا آموزش بر سایر ابعاد توسعه نیز تأثیر می‌گذارد. همین امر نشان می‌دهد که اگر قرار باشد کشوری توسعه پیدا کند باید بخش عمده‌ای از منابع خود را به امر آموزش اختصاص دهد. در این تحقیق، ارتباط نظام آموزش و پرورش نوین که در دوران قاجار در کشور ایران به وجود آمد و در دوران پهلوی اول بسط و گسترش یافت را با ابعاد و شاخص‌های توسعه مورد بررسی قرار داده‌ایم. هدف اصلی کتاب حاضر، بررسی و مطالعه تحولات نظام جدید آموزش و پرورش و تأثیر آن بر روند توسعه اقتصادی-اجتماعی در دوران قاجار و پهلوی اول است.

فصل اول

کلیات

مقدمه

در این فصل مختصری از کلیات تحقیق بیان شده است تا خواننده قبل از مطالعه همه مطالب، به راحتی بتواند با موضوع آشنایی مختصری پیدا کند. در این فصل بعد از بیان مسئله و اهمیت و ضرورت آن، به ذکر مختصری از تحقیقات صورت گرفته در موضوع نظام نوین آموزش و پرورش پرداخته و تفاوت این کتاب با سایر تحقیقات، بیان شده است.

۱. بیان مسئله

ایران از آغاز حکومت آغا محمدخان قاجار تا انقلاب مشروطیت، گرچه شاهد جنبش‌های اجتماعی و اصلاحات حکومتی بود، اما در کل الگوی اجتماعی ثابتی داشت و پس از انقلاب مشروطیت بود که الگوی نوینی در جامعه به وجود آمد و الگوی کهن فروپاشید. در این دوره ایران دارای مراتب اجتماعی به نسبت ثابتی بود و آموزش همچنان به صورت سنتی و در مکتب‌خانه‌ها انجام می‌گرفت.

به هنگام سلطنت محمدشاه قاجار، با آمدن چند هیأت مبلغ مسیحی (پادریان) نخستین مدرسه در خسروآباد و ارومیه در سال ۱۲۵۱ق افتتاح و پس از آن ده‌ها مدرسه با صدها شاگرد برپا شد (قاسمی پویا، ۱۳۷۷ ص ۳۱).

به تدریج در هنگام سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، تحولاتی در دستگاه‌های دولتی به وجود آمد و همچنین جامعه دگرگونی‌های فرهنگی، علمی و فنی در خود دید؛ به طوری که چندین روزنامه در داخل و خارج کشور تأسیس شد و نهادهای فرهنگی چون وزارت علوم با کیفیتی بسیار نامطلوب و محدود تأسیس گردید، البته چندین مدرسه نوین نیز تأسیس شد.

تغییر لباس و کلاه اهل دیوان، تشکیل پست‌خانه جدید و تمبر پستی نیز از جمله تحولات این دوران بود. در سال ۱۲۹۱ق پست‌خانه ایران به سبک اروپایی درآمد. تمبر پستی برای نخستین بار رایج و رابطه پستی بین ایران و جهان برقرار شد و در سال ۱۲۹۴ق ایران به مؤسسه اتحاد پستی جهان پیوست (آدمیت، ۱۳۵۶، ص ۴۵۳). کتاب‌های زیادی چاپ و منتشر شد که در مقایسه با دوره‌های پیشین چشمگیر بود. از جمله وزارت‌خانه‌های دیگر آن زمان، وزارت انطباعه و دارالترجمه بود که برخی کتاب‌ها و روزنامه‌ها را نیز منتشر می‌کرد.

هر چند این دستاوردها و تحولات - که ناشی از ایجاد مدارس به شیوه نوین بود - در مقایسه با پیشرفت‌های وسیع در کشورهای اروپایی بسیار اندک بود؛ ولی تحول چشم‌گیری در زندگی بیشتر مردم به وجود نیاورد.

نخستین مدرسه نوبنیاد در تهران به سال ۱۳۱۵ق گشایش یافت و تا این زمان تعلیم و تربیت عموم مردم محدود به مکتب‌خانه‌ها بود (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۳۵). دوره مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) آغاز تحولات فرهنگی بود. در این دوره نخستین مدرسه به سبک جدید تأسیس و انجمن معارف تشکیل شد و به دنبال آن چند مدرسه نوبنیاد گشایش یافت و روزنامه‌ها از آزادی نسبی برخوردار شدند و در محتوای آنها تحول نسبی رخ داد.

انقلاب مشروطیت را نیز می‌توان یکی از نتایج ایجاد مدارس جدید برشمرد که در رشد آگاهی مردم از اقدام‌های مستبدانه حاکمان نقش مهمی ایفا کرد. فرمان مشروطیت خود تحول بزرگی در تاریخ ایران بود که در پرتو آن پس از ۲۵۰۰ سال برای نخستین بار مسئله حکومت ملی، مجلس و قانون در جامعه مطرح شد و نمایندگان از مردم به مجلس راه یافتند. برای نخستین بار گروه‌ها و احزاب سیاسی تشکیل شدند. جنبش‌های مردمی، مثل جنبش جنگل، خیابانی و کلنل پسیان، نتیجه همین تحول در آموزش و پرورش بود. همه این احزاب، گروه‌های سیاسی و جنبش‌ها بر اصلاح آموزش و پرورش پیوسته تأکید می‌کردند.

تحولات بعدی ایران کم و بیش در نتیجه همین تغییر شیوه آموزش بود؛ به گونه‌ای که استبداد پادشاهی ۲۵۰۰ ساله متزلزل شد. این اندیشه در بسیاری از روشنفکران و مردم به وجود آمد که می‌توان بر ضد مستبدترین حکام شورید. تاریخ‌پیدایش و گسترش مدارس جدید در حقیقت تاریخ مبارزه‌های فرهنگی اقشار گوناگون در جامعه قاجار بود.

در این کتاب در بررسی تأثیر تحول نظام آموزشی، چنین فرض می‌شود که تا پیش از ورود

عناصر و مؤلفه‌های نوین آموزشی به فرهنگ جامعه ایران، نظام سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کشور بر اساس ترکیبی به نسبت پایدار و همگون از مبانی سنتی و دینی شکل گرفته و جامعه، نظام حاکم را کم و بیش پذیرفته بود؛ هرچند نسبت به بعضی از عملکردهای ظالمانه کارگزاران آن اعتراض‌هایی آشکار و پنهان داشت؛ ولی این نارضایتی‌ها موجب نمی‌شد که اصل حقانیت نظام سیاسی را برای حکومت نفی کند. اما با ورود نظام نوین آموزشی و مقولات فرهنگی نو به ساخت فکری جامعه به تدریج شناخت‌ها، باورها و گرایش‌های مردم نسبت به اجتماع و جوانب آن تغییر کرد و جامعه افق‌های جدیدی را پیش روی خود دید که وضعیت موجود را به چالش گسترده فرا می‌خواند.

ناگفته پیداست که مفروض گرفتن ثبات سیاسی ناشی از نظام سنتی آموزشی تا پیش از این تحولات به معنای ارزش‌گذاری مثبت یا منفی بر آن دوران نیست و پیش فرضی است که فقط برای آسان سازی مقایسه میان قبل و بعد از تحولات یاد شده، در نظر گرفته شده است. با توجه به مقدمات اشاره شده و با در نظر گرفتن تحولات یکی دو سده اخیر در ترکیب و ماهیت جامعه، پرسش اصلی کتاب این است که دگرگونی نظام آموزشی در دوران قاجار (از حیث عناصر تشکیل دهنده، ویژگی‌ها و هیأت ترکیبی) چه تأثیری در توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشور داشته است؟ به عبارت دیگر در این کتاب تحولات اقتصادی - اجتماعی ایران در دوره حکومت قاجار و پهلوی اول از زاویه دگرگونی‌هایی که در ویژگی‌ها، ساخت و بافت نظام آموزشی صورت گرفته، و تأثیر این امر بر توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه، مطالعه و بررسی خواهد شد.

سؤال اصلی

با در نظر گرفتن تحولات دوران قاجار و پهلوی اول، پرسش اصلی کتاب این است که نظام نوین آموزشی که در دوران قاجار به ایران آمد و در دوران پهلوی اول گسترش یافت، چه آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر روند توسعه کشور داشته است؟ و آیا اصولاً تحولات این مقطع را می‌توان در نتیجه تغییر و دگرگونی در نظام آموزشی و همه‌گیر شدن آموزش دانست؟

۸-۲. سؤالات فرعی

در جستجوی پاسخ برای این پرسش اصلی، سؤالات دیگری مطرح می‌شوند که پاسخ به آنها می‌تواند به روشن شدن بحث کمک کند:

- آیا میان نظام آموزشی نوین و نوآوری و پیشرفت علمی رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا بین نظام آموزشی نوین و تخصصی شدن مشاغل رابطه وجود دارد؟
- رابطه میان نظام نوین آموزشی و فعالیت و مشارکت سیاسی افراد چگونه قابل ارزیابی است؟
- رابطه بین نظام نوین آموزش و پرورش و شهرنشینی در آن دوران چیست؟
- رابطه میان نظام نوین آموزش و پرورش و توسعه وسایل ارتباط جمعی در دوران قاجار و پهلوی اول چیست؟
- آیا بین نظام نوین آموزش و پرورش و تغییرات جمعیتی رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا میان نظام نوین آموزش و پرورش و بهداشت عمومی رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا بین نظام نوین آموزش و پرورش و توسعه سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات رابطه وجود دارد؟
- آیا میان نظام نوین آموزش و پرورش و تعدد فعالیت‌های صنعتی رابطه‌ای وجود دارد؟
- چه رابطه‌ای میان نظام نوین آموزش و پرورش و رفاه اجتماعی وجود دارد؟
- آیا میان نظام نوین آموزش و پرورش و مشارکت زنان در عرصه اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد؟

۲. اهمیت و ضرورت موضوع

امروزه رشد ذهنی، توانمندی تفکر عقلانی، توانایی اختراع و اکتشاف، وضع قانون و شناسایی آن که در اثر آموزش به دست می‌آید به عنوان کلید رشد و توسعه تلقی می‌شود. به گونه‌ای که در جوامع صنعتی، آموزش و پرورش^۱ به عنوان مؤلفه‌ای اساسی برای رشد اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مطرح است. آموزش و پرورش در ابتدا باعث می‌شود تا مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای رشد و توسعه به وجود آید و در مرحله بعد یکی از عوامل مهم برای سازگاری در برابر رویکردهای جدید و پذیرش تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی است. در میان کشورهای صنعتی جهان، کشور ژاپن با استفاده از تعلیم و تربیت توانست در

1. Education.

ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فنی خود به بالاترین میزان تغییر و تحول دست یابد. ژاپن بعد از قرن هفدهم، با تلاش و پشتکار و اقدامات تربیتی و استفاده از تجارب گذشته و استفاده از جهان به عنوان دانشگاه عمومی توانست آموزش و پرورش را عامل اساسی رشد اقتصادی خود قرار دهد و به درجه بالایی از رشد و توسعه دست یابد. آموزش نوعی سرمایه‌گذاری در ادبیات توسعه تلقی می‌شود. اقتصاددانان کلاسیک و همچنین آدام اسمیت بر اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه مهارت‌های انسانی تأکید داشتند. از نظر شولتز^۱ و دنیسون^۲ آموزش به طور مستقیم به رشد درآمد ملی از طریق اصلاح مهارت‌ها کمک می‌کند. این یافته مهم منجر به پژوهش‌های گسترده در زمینه ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری در امر آموزش شد (ساخاروپولوس و مدرین،^۳ ۱۳۷۰، ص ۲۹). همچنین گفته شد نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده، نقش تعیین کننده‌ای در توسعه یک جامعه دارد.

«یکی از دانشمندان اقتصاد و توسعه، منابع انسانی متخصص و ماهر را دارایی اصلی یک جامعه که توانمندی آن را معین می‌کند، دانسته است؛ به طوری که امکانات توسعه توسط نیروی انسانی متخصص و ماهر به وجود می‌آید و جامعه‌ای که از نظر نیروی انسانی متخصص فقیر باشد، سایر امکانات مادی نمی‌تواند به توسعه جامعه کمک زیادی کند» (مشایخی، ۱۳۶۴، ص ۷۰).

بنابراین می‌توان گفت که میان آموزش و پرورش و میزان کارایی و ابعاد مختلف توسعه ارتباط مستقیمی برقرار است و رشد نهادهای آموزشی و علمی زمینه‌ساز مشارکت بیشتر مردم در تحولات اجتماعی و اقتصادی است و در مردم نوعی قابلیت برای پذیرش باورهای مناسب توسعه انسانی را به وجود می‌آورد. بن دیوید^۴ معتقد است نهادهای آموزشی جدیدی که به منظور پیشرفت علم ایجاد شده بود، در اوایل قرن نوزدهم در فرانسه و اندکی بعد در آلمان، نقش مهمی را در راه رسیدن به هدف یاد شده ایفا کرده‌اند. همه کشورهای در حال تجدد در سال‌های اخیر، از روسیه گرفته تا کشورهای آفریقایی ضعیف و کوچک، به شدت نظام‌های آموزشی‌شان را برای بهبود علم در همه سطوح آموزشی تقویت کرده‌اند (توکل، ۱۳۷۰، ص ۳۴).

1. Schultz.

2. Denison.

3. Psacharopoulos & Maureen

4. Ben David

به بیان پل هریسون^۱ آموزش علمی و مناسب بیش از هر عامل دیگری انسان را قادر به تغییر محیط خود می‌کند. اگر نظام آموزشی برای بخش صنعت، نیروی کار ماهر در سطوح مختلف تربیت کند، صنعت سریع‌تر رشد می‌کند. اگر به کشاورز اصول صحیح کشاورزی آموزش داده شده باشد، بازده کار او بیشتر می‌شود (هریسون، ۱۳۶۴، ص ۲۵۰). تحقیقات بانک جهانی نشان داده است: «اگر یک کشاورز دوره چهار ساله ابتدایی را گذرانده باشد، بهره دهی متوسط وی ۸/۷ درصد بیشتر از کشاورزی است که هیچ گونه آموزشی ندارد» (ساخار و پولوس و مدرین، ۱۳۷۰، ص ۷۱).

همچنین ارتباط متقابل زیادی در کشورهای جهان میان سطح فرهنگ و میزان توسعه وجود دارد. لذا آموزش بر سایر ابعاد توسعه نیز اثر می‌گذارد. همین امر نشان می‌دهد که اگر قرار باشد کشوری توسعه پیدا کند، باید بخش عمده‌ای از منابع خود را به امر آموزش اختصاص دهد. اقتصاددانان و سیاستمداران و برنامه‌ریزان اجتماعی و تربیتی، با ارائه دلایل فراوان آموزش و پرورش را به عنوان رمز و کلید توسعه و تغییر اجتماعی می‌پذیرند. از جمله اینکه گفته می‌شود آموزش و پرورش برای کشورهای توسعه‌نیافته عامل نهایی برای نوسازی و صنعتی شدن است و با توجه به این مسئله ارائه آموزش و پرورش عمومی برای همه افراد یک جامعه به عنوان هدف عمده برنامه‌ریزان توسعه مطرح می‌شود (فاجرلیند، ۱۳۷۱، ص ۶۲).

ازکیا و غفاری در کتاب توسعه خود پنج عامل را به عنوان پایه و نیرو دهنده توسعه مطرح می‌کنند که از میان این پنج عامل یکی از آنها آموزش و پرورش است و در ادامه اضافه می‌کنند: «علی‌رغم اهمیتی که همه این عوامل در توسعه دارند، آموزش و پرورش بنیان و پایه اولیه توسعه را تشکیل می‌دهد. امروزه از آموزش و پرورش به عنوان معیاری در جهت ارزیابی و اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه جوامع استفاده می‌شود» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴).

چنین وضعیتی این نکته را مشخص می‌کند که آموزش و پرورش، بستری بسیار گسترده و تأثیرگذار در زمینه‌های توسعه و تغییر و تحول است، به گونه‌ای که هر نوع تغییر و توسعه باید از این بستر استفاده بهینه کند. همچنین ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و صحیح را در امور آموزشی و فرهنگی کشورهای توسعه‌نیافته برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، جهت رسیدن به توسعه را حیاتی می‌سازد.

1. Paul Harrison

با توجه به اینکه تحولات آموزشی ایران، در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول انجام شده و این تغییرات آموزشی در روند توسعه کشور تأثیر داشته، بنابراین یک نوع رابطه بین نظام آموزشی جدید و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور وجود دارد. لذا ضرورت دارد تا مطالعه‌ای عمیق بر روی پدیده نظام آموزشی در دوره قاجار و پهلوی اول انجام و تأثیر آن در این دوره بررسی شود.

از طرف دیگر مطالعات تاریخی و موضوعات اجتماعی ارزش بالایی دارند؛ چرا که «تاریخ محتوای اصلی و ماده خام علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهد و از ترکیب تاریخ با نظریه است که علم اجتماعی پدید می‌آید. گرایش‌های نظری و انتزاعی و غیر تاریخی در جامعه‌شناسی سیاسی میان‌تهی و کسالت‌بارند. موضوع واقعی علوم اجتماعی به طور کلی فرایند همه جانبه و انضمامی پراکسیس تاریخی است» (بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

در واقع تاریخ به روشن‌سازی بعد یا ساخت تکوینی پدیده‌های اجتماعی کمک می‌کند. بسیاری از مسائل واقعیت امروزی از گذشته تأثیر گرفته‌اند. به گفته دورکیم^۱ حوادث کنونی حیات اجتماعی ناشی از حالت کنونی اجتماعی نیست. پیشامدهای گذشته و سوابق تاریخی سرچشمه حوادث کنونی است. تبیین اجتماعی از طریق پیوند حال با گذشته امکان‌پذیر است. پدیده‌های اجتماعی تاریخی هستند و بدون توجه به این بعد شناخت ناقص است. پدیده‌های اجتماعی متصل به گذشته خود هستند (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۰-۲۱۴).

با توجه به اینکه دوره قاجار و پهلوی اول یک دوره به نسبت طولانی را در برمی‌گیرد، لذا در این دوره مهم‌ترین وقایع و رویدادهایی که در فراهم کردن زمینه‌های لازم برای وقوع رویدادها و تحولات مهم سالیان پس از آن نقش اساسی داشته‌اند، به وقوع پیوسته است. بنابراین ضرورت تحقیق در این مقطع زمانی برجسته می‌شود.

تحدید موضوع

هر پژوهشی تحدیدهایی دارد و تحقیق حاضر نیز از این امر مستثنا نیست که برخی تحدیدهای آن عبارتند از:

۱. از آنجا که نظام نوین آموزش و پرورش در اواخر قاجار شکل گرفته و در دوره پهلوی اول

1. Durkheim

گسترش یافته، لذا دوره زمانی به این دو دوره محدود خواهد بود و به نتایج بلندمدت نظام نوین آموزش و پرورش اشاره نخواهد شد؛

۲. موضوع کتاب به بحث آموزش و آثار و پیامدهای نظام آموزش و پرورش نوین اختصاص دارد؛
۳. اغلب تحولات اواخر دوره قاجار و پهلوی اول از سوی تحصیلکردگان بوده است. بنابراین جامعه آماری، این افراد، به خصوص افرادی که شیوه نوین آموزش را گذرانده بودند می باشد.

اهداف

نظام های آموزشی به منزله ابزارهایی هستند که از یک سو برای پیشرفت اجتماعی و از سوی دیگر، برای حفظ میراث گذشتگان و ارزش های جامعه به کار گرفته می شوند.

از اهداف آموزش و پرورش می توان به موارد دکتر جود^۱ اشاره کرد: «۱. آماده کردن فرد برای زندگی مطلوب؛ ۲. آماده کردن فرد به عنوان شهروندی خوب در نظام دموکراسی؛ ۳. آماده کردن فرد برای استفاده مطلوب از همه استعداد های آتی خود و تلاش در راه شکوفا شدن آنها برای یک زندگی ایده آل و مطلوب» (فرجاد، ۱۳۷۳، ص ۱۶).

به عنوان یکی دیگر از اهداف مهم آموزش و پرورش می توان به رشد و توسعه اقتصادی و افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت توزیع آن اشاره کرد. چیزی که برای همگان مطلوب و حتی ایده آل است.

هدف اساسی این کتاب، بیان چگونگی تأثیر نظام آموزش بر فرایند توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول است که دانستن این رابطه و چگونگی تأثیری که این متغیرها بر روی یکدیگر دارند می تواند جامعه ما را در ارائه راهبردهای کلی یاری کند. بنابراین هدف کلی کتاب تبیین رابطه میان نظام آموزشی نوین و توسعه اقتصادی-اجتماعی در دوران قاجار و پهلوی اول است. اما اهداف ویژه عبارتند از:

۱. بررسی رابطه نظام آموزشی نوین با توسعه اجتماعی؛
۲. بررسی رابطه نظام آموزشی نوین با توسعه فرهنگی؛
۳. بررسی رابطه نظام آموزشی نوین با توسعه اقتصادی؛
۴. بررسی رابطه نظام آموزشی نوین با توسعه سیاسی.

پیشینه مطالعات

به لحاظ اهمیت دو مسئله آموزش و پرورش و توسعه، مطالب فراوانی در این موضوعات به نگارش در آمده است که این امر نشانگر دغدغه پژوهشگران در این مسائل می باشد. در یک دسته بندی می توان این پژوهش ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. پژوهش هایی که در خصوص آموزش و پرورش دوران قاجار و پهلوی اول انجام شده که اغلب آنان به صورت تاریخی و توصیف وقایع آموزش و پرورش نوین و وضعیت تعلیم و تربیت در این دوران است؛

۲. پژوهش هایی که در خصوص رابطه میان آموزش و پرورش و توسعه است و کشوری را توسعه یافته دانسته اند که آموزش و پرورش آن رشد یافته باشد. این پژوهش ها به صورت مطلق بوده و اختصاص به دوران مورد نظر ما ندارد. در ذیل به برخی از پژوهش های مهم اشاره می شود:

۱. مهم ترین پژوهش درباره آموزش و پرورش دوره قاجاریه مربوط به رساله دکترای آقای اقبال قاسمی پویا می باشد که به صورت کتاب به نام مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان چاپ شده است. در این کتاب به صورت مفصل مدارس قدیم و نظام نوین آموزشی توصیف شده است که به نظر می رسد در توصیف تاریخی مدارس قدیم و جدید کتابی جامع و کامل است. از ویژگی های خوب این کتاب توصیف و تحلیل دقیق بانیان مدارس نوین و نحوه شکل گیری این مدارس در دوره قاجاریه به صورت مبسوط می باشد.

تفاوت کتاب حاضر با کتاب آقای اقبال قاسمی پویا این است که کتاب پیش رو به صورت تبیینی تأثیر نظام آموزشی بر تحولات ایران را بررسی کرده است؛ برخلاف کتاب یاد شده که تحولات آموزشی را ناشی از تغییرات و دگرگونی های دوره قاجار می داند؛

۲. راوندی (۱۳۸۳) در بخشی از کتاب سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا مدارس جدید در دوره قاجار را شرح و توصیف می کند؛

۳. سیف اللهی (۱۳۵۳) فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه و اوضاع مدارس نوین آن دوره را شرح می دهد؛

۴. یغمایی (بی تا) به شرح مدرسه دارالفنون پرداخته و مقداری نیز از مدارس جدید بحث کرده است.

۵. کتاب محبوبی اردکانی (۱۳۵۷)، به عنوان پایان نامه دکتری در رشته تاریخ در سه جلد

تنظیم و منتشر شده است که مباحث جلد اول بیشتر به موضوع اعزام محصل، مدرسه دارالفنون و مدارس جدید در دوره قاجار اختصاص یافته است؛

۶. فرزانه خامنه (۱۳۸۲) بحث مبسوطی در مقایسه میان نظام قدیم آموزش و نظام جدید آموزش دارد و توصیفی از بیان این دو نظام آموزشی است؛

۷. گودرزی (۱۳۵۰) تاریخچه و سابقه وزارت آموزش و پرورش ایران از آغاز تاکنون را بررسی کرده است؛

۸. هوشنگی (۱۳۵۱)، در پایان نامه تعلیم و تربیت و بیداری اجتماعی در ایران، درباره تعلیم و تربیت دوره قاجار و نقش اجتماعی آن سخن گفته و به شیوه‌ای تحلیلی گوشه‌هایی از تعلیم و تربیت در این دوره را بررسی کرده است؛

۹. صدری افشار (۱۳۱۳) سرگذشت سازمان‌ها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران را مطالعه کرده است؛

۱۰. صدیق (۱۳۳۶) تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر را پژوهش نموده است؛

۱۱. رحیمی (۱۳۷۴)، جایگاه بخش آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی با توجه به مورد ایران را تحقیق کرده است؛

۱۲. پورظهیر (۱۳۸۶)، ریشه‌های توسعه نیافتگی در نظام آموزش و پرورش ایران را بررسی و مدلی جهت توسعه آن ارائه کرده است؛

۱۳. اطاعت (۱۳۷۸)، موضوع آموزش و توسعه را بررسی و تحقیق کرده است.

برخلاف پژوهش‌های یاد شده، در این کتاب سعی شده است افزون بر ایجاد رابطه بین آموزش و توسعه، با نگاهی جامعه‌شناختی به نظام آموزش و پرورش نوین در دوره قاجار و پهلوی اول به عنوان متغیری مستقل پرداخته شود و تحولات و تغییرات دوران قاجاریه و پهلوی اول ناشی از تغییر و تحول در نظام آموزش دانسته شود. بنابراین ویژگی این کتاب آن است که با تأکید بر اهمیت نظام آموزشی نوین، روند توسعه کشور در دوره قاجاریه و پهلوی اول را ناشی از رشد قابل توجه نظام آموزشی در آن دوران می‌داند و این خود دلیلی بر مدعای پژوهش‌هایی است که به دنبال این هستند تا کشورهای پیشرفته را دارای آموزش و پرورش توسعه‌یافته نشان دهند.

فصل دوم

چارچوب و الگوی نظری

پیشینه نظری

مقدمه

در این فصل بعد از بیان تعاریف مصطلح در توسعه و آشنایی با این مفاهیم، نظریات توسعه به خصوص نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک شامل نظریات دورکیم، پارسونز و مارکس مطرح می‌شود. در مرحله بعد رویکردهای بیان شده در موضوع آموزش و پرورش و تأثیر آن در توسعه مطرح می‌شود و در نهایت چارچوب نظری را که از میان نظریات مطرح شده، انتخاب شده توضیح داده می‌شود.

۱. مفاهیم و اصطلاحات

گام نخست در بهره‌گیری از نظریات توسعه، شناخت مفاهیم و اصطلاحات این حوزه است. مفاهیم و اصطلاحاتی که خود اولاً، بخشی از این نظریات را تشکیل می‌دهند؛ ثانیاً، به عنوان کلید فهم نظریات توسعه تلقی می‌شوند. بنابراین شناخت فضای مفهومی، بار معنایی و اصطلاحات و ابعاد توسعه اهمیت و ضرورت خاصی دارد که قبل از بیان نظریات، در پی برآوردن چنین ضرورتی هستیم.

۱-۱. توسعه^۱

از آنجا که مفهوم توسعه یکی از متغیرهای این پژوهش است، بنابراین بیان آن به مبحث تعریف متغیرها موکول می‌شود.

۱-۲. تغییر اجتماعی^۲

«تغییر اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدّت زمان کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگیش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید، نتیجه قطعی‌اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد. تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید» (روشه، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

«جامعه‌شناسان تغییر اجتماعی را به مثابه هر نوع اصلاح، تعدیل یا دگرگونی تعریف می‌کنند که در سازماندهی تشکیلاتی و طرز عمل زندگی اجتماعی به وجود آید. تغییر اجتماعی یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی است. در حقیقت، می‌توان گفت که ظهور جامعه‌شناسی، به مثابه شعبه‌ای از علوم انسانی، ثمره تلاشی بود که برای درک تغییرات اجتماعی صورت گرفت. دل مشغولی ذهنی جامعه‌شناسان اولیه درک ذات و نتایج انقلاب صنعتی بود، حادثه‌ای که آغازگر تغییراتی شگرف و ظاهراً پایان‌ناپذیر در همه قلمروهای زندگی اجتماعی شد. زمانی که جامعه‌شناسان تغییر را مطالعه می‌کنند، بیش از هر چیز، باید هویت سیمایی از زندگی اجتماعی را که تغییر کرده و یا در حال تغییر است و آنها خواهان مطالعه آنند مشخص کنند. تعداد موضوعات قابل مطالعه در این مورد می‌تواند بی‌نهایت باشد. برخی از مثال‌ها عبارتند از: تغییر در منابع مورد استفاده مردم، تغییر چیزهایی که مردم می‌آموزند (چه چیزی، در چه زمانی، توسط چه کسانی، و در چه مکانی)، تغییر در شیوه برقراری ارتباط میان مردم، تغییر در کمیّت تولید کالا، خدمات و خرید و فروش آنها، تغییر جمعیتی جهان و میانگین طول عمر، تغییر در شیوه کار و غیره. گاهی این تغییرات قابل اندازه‌گیری‌اند. در این گونه تغییرات، جامعه‌شناسان

1. Development

2. Social change

تلاش می‌کنند تا اندازه، دامنه (چگونگی گسترش)، استمرار، سرعت، و یا مسیر تغییر در دوره زمانی معینی را بسنجند. برای انتخاب موضوع جامعه‌شناسان، دو پرسش کلیدی را مطرح می‌کنند: ۱. چه عاملی باعث چنان تغییری شده است؟ و ۲. چنین تغییری چه تأثیری در زندگی اجتماعی گذاشته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، جامعه‌شناسان از مفاهیم و نظریه‌ها استفاده می‌کنند. دیدگاه جامعه‌شناسان با ارائه مفاهیم و نظریه‌ها، به ما کمک می‌کند تا معنای این گونه تغییرات تاریخی را بهتر درک کنیم. زمانی که درباره علل یک تغییر اجتماعی می‌اندیشیم، یقیناً نمی‌توانیم تنها یک علت را دلیل چنان تغییری بدانیم. تغییرات اغلب ثمره مجموعه‌ای از حوادث و علل متعددند» (عضدالملو، ۱۳۸۴، ص ۱۹۹).

۱-۳. نوسازی

واژه مدرنیزاسیون^۱ در زبان فارسی به مفاهیمی چون نوسازی، امروزی‌شدن و متجدد شدن ترجمه شده است. مدرنیته را گیدنز^۲ این‌گونه تعریف کرده است: «مدرنیّت به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد. و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد. این تعریف ابتدایی، مدرنیّت را به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه مربوط می‌سازد، ولی در ضمن ویژگی‌های عمده‌اش را در جعبه سیاه سربسته باقی می‌گذارد» (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۴).

«دانیل لرنر^۳ که از پیشکسوتان این رویکرد می‌باشد، در دائرةالمعارف علوم اجتماعی، زیر عنوان امروزی‌شدن چنین می‌انگارد: امروزی‌شدن واژه رایج برای فرایندی کهن است، یعنی فرایند تغییر اجتماعی به نحوی که کشورهای کمتر توسعه‌یافته خصایص معروف جوامع توسعه‌یافته را کسب کنند. پیتر ورسلی^۴ اظهار می‌دارد که نوسازی به تمام تغییراتی که از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی، امر صنعتی‌شدن را در بسیاری از ممالک دارای تمدن غربی همراهی کرده‌اند، اشاره دارد، از آن جمله است: شهرنشینی، تغییرات ساختار اشتغال، جابجایی اجتماعی، توسعه آموزش و پرورش، همچنین تغییرات سیاسی به صورت کنار گذاشته‌شدن

1. Modernization

2. Anthony Giddens

3. Daniel Lerner

4. Peter Worselly

نهادهای مطلق‌گرا و استبدادی و روی کار آمدن حکومت‌های مسئول و انتخابی و نیز عوض شدن نظام مطلق‌العنان بخش خصوصی و جایگزین آن با یک دولت رفاه متجدد. و در تعریف دیگر آمده: نوسازی فرآیندی است که به واسطه آن جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی انتقال پیدا می‌کنند. این انتقال در بردارنده توسعه تکنولوژی صنعتی پیشرفته و انتظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که برای هدایت و بهره‌گیری از تکنولوژی مناسب هستند. اینکلس^۱ و اسمیت^۲ که به مطالعات میدانی در این زمینه پرداخته‌اند، نوسازی را نوعی فرایند اجتماعی - روانی دانسته‌اند که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن شدن را کسب می‌کنند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

نوسازی دیدگاهی است که در پی تبیین موانع درونی و داخلی در کشورهای جهان سوم می‌باشد. به تعبیری این نظریه معتقد است که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پویای نوسازی کنیم. الگوی عملی آنها تجربه تاریخی مغرب زمین و کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته غربی است. به نوعی الگوی توسعه و متجدد شدن غربی را پذیرفته و با عنایت به سازوکارهای درونی کشورهای توسعه‌یافته که زمینه‌ساز توسعه‌یافتگی و متجدد شدن آنها شده است، فقدان تحقق این سازوکارها را در کشورهای غیر غربی و توسعه‌نیافته جستجو می‌کنند.

۱-۴. توسعه اقتصادی

«توسعه اقتصادی^۳ از مفاهیمی است که اغلب با مفهوم رشد اقتصادی یکی شمرده می‌شود، در حالی که بین این دو مفهوم تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. رشد اقتصادی در برگرفته شاخص‌های کمی اقتصادی است. لکن توسعه اقتصادی متضمن فرایندهای پیچیده‌تری است، به‌گونه‌ای که این مفهوم به مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک‌تر است تا مفهوم رشد اقتصادی. از نظر پتر دورنر^۴ توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر، ضروری می‌باشد. تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و

1. Inkeles

2. Smith

3. Economic development

4. Peter Dornier

نابرابری ملازم با توسعه اقتصادی هستند. آنچنان که سیرز^۱ می‌گوید: سؤالاتی که در مورد توسعه اقتصادی یک کشور باید کرد این است که بر سر مسائلی نظیر فقر، نابرابری و بیکاری چه آمده است؟ هرگاه این وجوه از سطوحی بسیار بالا به سطوحی پایین‌تر تنزل کند، بدون شک کشور مربوط، دوره‌ای از توسعه را پشت سر گذاشته است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

«توسعه اقتصادی به نوبه خود مبتنی بر استفاده از عوامل اقتصادی مختلفی به منظور افزایش درآمد ملی، بالابردن سطح زندگی عمومی یک کشور یا یک ناحیه است که نتیجتاً بهبود و رفاه عمومی مردم را دربردارد. توسعه اقتصادی براساس طرح روستوو^۲، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های مالی و ایجاد سیستم‌های بانکی و مؤسسات مالی، ایجاد وسایل حمل و نقل و ارتباطات، سرویس‌های عمومی مختلف، سیستم مالی معین و اقداماتی در جهت تأمین اجتماعی است. بنابراین توسعه اقتصادی به معنای واقعی هدفی است که سیاست اقتصادی خاصی را پی‌ریزی می‌نماید» (روشه، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

در مجموع می‌توان گفت توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود؛ به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود.

۱-۵. توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی^۳ از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی می‌باشد.

«منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد، توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌گردد» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

1. Seers

2. W. Rostow

3. Social development

توسعه اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی حوزه وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. در دوره جدید مباحث مربوط به جامعه مدنی، دموکراسی اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی موضوعات محوری توسعه اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

۲. نظریات توسعه‌یافتگی

آزاد ارمکی (۱۳۸۶) جریان تکامل درباره نوسازی را بر سه اصل ذیل استوار می‌داند:

۱. «راه توسعه‌یافتگی گذر جامعه سنتی به مدرن بر اساس حرکت تکاملی است. در این دیدگاه با آرای متفکران متعددی روبرو می‌شویم. این گروه از دانشمندان در جهت تبیین تکامل اجتماعی از شکل ساده به پیچیده بودند. پیش‌فرض اساسی این‌گونه است: جوامع دو صورت کلی دارند: الف) جوامع سنتی؛ ب) جوامع مدرن صنعتی. جوامع سنتی عقب افتاده و جوامع صنعتی توسعه‌یافته‌اند؛

۲. عنصر و ویژگی دیگری که مورد توافق جامعه‌شناسان کلاسیک در فهم جریان توسعه است، تمایز و انسجام اجتماعی است. تمایز را می‌توان تکامل از یک ساختار نقشی چند کارکردی به ساختارهای تخصصی متفاوت و مجزا تعریف کرد. به‌عنوان نمونه نظام آموزشی رسمی، کارکردهای آموزشی که قبلاً خانواده و کلیسا (و حوزه‌های علمیه در ایران) اجرا می‌کردند در یک واحد تخصصی‌تر یعنی مدرسه انجام می‌دهند. بنابراین تمایز را به طور رسمی می‌توان فرایندی تعریف کرد که از طریق آن یک سازمان یا نقش اجتماعی ... به دو یا چند نقش یا سازمان تفکیک می‌شود که در شرایط تاریخی جدید به طور مؤثرتری عمل می‌کند؛

۳. سنخ‌شناسی، دیدگاه تکاملی اثباتی در توسعه آرا و نظریات دورکهایم، ماکس وبر، تونیس و پارسونز مطرح است. مانند متغیرهای الگویی مطرح شده توسط پارسونز. گرایش‌های عمده دیگر در دیدگاه تکاملی اثباتی عبارتند از: افزایش تمایزپذیری، تکنولوژی، شهرنشینی، وسایل ارتباطی جمعی، تعلیم و تربیت و توسعه طبقه متوسط» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۰).

آزاد ارمکی دیدگاه تکاملی اثباتی را دارای دو ویژگی عمده می‌داند: الف) دارای بینشی تکاملی از مرحله ساده به پیچیده است؛ ب) اکثر نظریه‌پردازان این تئوری معتقدند که تغییر در یک عنصر اجتماعی به تغییر در دیگر عناصر و در نهایت تغییر در کلیت جامعه منجر می‌شود.

مثلاً تغییر در شیوه آموزشی در دوره قاجاریه منجر به تغییر در نظام‌های دیگر و در نهایت تغییر در سیستم و نظام حکومتی از سلطنتی به مشروطه و تأسیس مجلس شورا که با رأی و انتخاب مردم صورت گرفته می‌شود.

ایشان در ادامه اضافه می‌کند که عده‌ای از طرفداران دیدگاه تکاملی عواملی مانند دموکراسی، ارتباطات، آموزش و غیره را در توسعه مؤثر می‌دانند و عده‌ای دیگر نیز بر مؤثر بودن چند عامل تأکید کرده‌اند. البته طرفداران امروزی این دیدگاه بر قطعیت تأثیرپذیری یک یا حتی چند عامل در توسعه اقتصادی-اجتماعی ندارند، بلکه عوامل متعددی مانند نیروی انسانی، تکنولوژی، تعلیم و تربیت و غیره را در توسعه اقتصادی-اجتماعی مؤثر دانسته‌اند.

وی در ادامه می‌گوید: «با وجود اینکه دیدگاه تکاملی اثباتی در حال حاضر چندان حضوری در جامعه‌شناسی ندارد، ولی همچنان عده‌ای از جامعه‌شناسان در به‌کارگیری آن در بررسی مسائل جهان سوم و دیگر تحولات اجتماعی تأکید دارند» (همان، ص ۵۵).

بنابراین رویکردهای مربوط به توسعه به دو رویکرد کلی تقسیم می‌شود:

الف) رویکردی که در تقسیم جوامع به دو گروه سنتی و توسعه‌یافته، آموزش و پرورش را زمینه‌ساز توسعه و صنعتی‌شدن می‌دانند و آن را عاملی در جهت رسیدن به توسعه فرض می‌کنند. از این دسته از نظریه‌پردازان می‌توان به دورکیم، وبر، پارسونز و دیگران اشاره کرد؛

ب) رویکردی که آموزش و پرورش را زمینه‌ساز و بستری برای توسعه نمی‌داند. بلکه آن را وسیله‌ای در جهت استعمار معرفی می‌کند. نماینده این قشر، مارکس است که به آن اشاره می‌شود.

۲-۱. دورکیم^۱

دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی در تقسیم اجتماعی خود که رساله دکترای اوست در پی بیان چگونگی گذر جوامع از مرحله سنتی به مرحله صنعتی است. وی دو شکل همبستگی^۲ را از هم جدا می‌کند، همبستگی مکانیکی^۳ و همبستگی ارگانیکی یا اندامی^۴.

1. Durkheim

2. Solidarite

3. Mecanique

4. Organique

«همبستگی مکانیکی، به اصطلاح خود دورکیم، همبستگی از راه همانندی^۱ است. هنگامی که این شکل از همبستگی بر جامعه مسلط باشد، افراد جامعه چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. آنان که اعضای یک اجتماع واحد هستند به هم همانند و احساسات واحدی دارند زیرا به ارزش‌های واحدی وابسته‌اند و مفهوم مشترکی از تقدس دارند. جامعه از آن رو منسجم است که افراد آن هنوز تمایز اجتماعی پیدا نکرده‌اند. صورت متضاد با این نوع همبستگی، همبستگی موسوم به ارگانیکی یا اندامی است که اجماع اجتماعی، یعنی وحدت انسجام یافته اجتماع، در آن نتیجه تمایز اجتماعی افراد با هم است یا از راه این تمایز بیان می‌شود، افراد دیگر همانند نیستند. بلکه متفاوتند و استقرار اجماع اجتماعی تا حدی نتیجه وجود همین تمایزهاست» (آرون، ۱۳۸۱، ص ۳۶۲).

جوامع قطعی در قاموس دورکیم، یک گروه اجتماعی است که افراد آن با هم پیوندهای بسیار نزدیک دارند و گروه محلی مشخصی است که نسبتاً جدا از دیگر گروه‌ها و دارای زندگی خاص خویش است و مستلزم وجود نوعی همبستگی مکانیکی مبتنی بر همانندی است. بنابراین سازمان اجتماعی قطعی با تیره‌ای، با نموده‌های عام تمایزپذیری اجتماعی^۲ که با اصطلاح همبستگی اندامی مشخص می‌شوند، متناقض است.

«دورکیم واقعیت اصلی در گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی را از میان رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر انسجام مکانیکی^۳ می‌داند. این پیوندها افراد را در اجتماعات ماقبل صنعتی، که دارای بافت متجانس هستند، به یکدیگر مربوط می‌کند. در جامعه سنتی پیوندهای بین افراد بر اساس مجاورت مکانی و آشنایی شخصی است و با ظهور دگرگونی‌هایی همراه با پیدایی جامعه جدید و به ویژه شهرنشینی از هم می‌گسلد» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶).

تقسیم کاری که دورکیم درصدد درک و تعریف آن است، همان تمایزپذیری مشاغل، تعدد فعالیت‌های صنعتی، که مظهري از تمایزپذیری اجتماعی است و دورکیم آن را مقدم می‌شمارد، از نشانه‌های جوامع ارگانیکی است و وی آن را نتیجه جریان توسعه تاریخی می‌داند. با افزایش تراکم تعامل اجتماعی^۴ انسجام مکانیکی از بین می‌رود، تقسیم کار تخصصی‌تر و پیچیده‌تر

1. Similitude

2. Differenciation

3. Mechanical solidarity

4. Social interaction